



# ماجرای بازرسی

مریم بهاء‌لو، معلم ریاضی پایه پنجم نجف‌آباد و کارشناس ارشد آموزش ریاضی

وارد کلاس شد! آن ساعت علوم داشتیم و دانش‌آموزان در گروه‌هایشان، مشغول بحث و تبادل نظر در مورد «ماه‌چچه و غضروف» بودند. فرمان «بریا» از جانب آموزگار صادر شد! طبق معمول، دانش‌آموزان در جایشان ایستادند و آیه «الابد کرالله تطنئن القلوب» را خواندند و بعد از فرمان «بفرمائید»، در جایشان نشستند! همین‌طور که آن‌ها در حال نشستن بودند، یکی از دانش‌آموزان حاضر جواب کلاس، با صدای بلند گفت: «خانم من یه سؤال دارم! چرا تا بازرسی میاد تو این مدرسه، سرش را می‌ندازه پایین و میاد وسط کلاس ما!». در آن لحظه، به دنبال پاسخی برای سؤال این دانش‌آموز بودم. نمی‌دانستم تحسینش کنم یا دعوا! ولی صادقانه بگویم که در دلم، گفتم «آفرین پسر، گل کاشتی!» اما نمی‌توانستم بر زبان بیاورم! در نهایت پاسخ دادم که «آقای بازرسی، برای کنترل نحوه تدریس به این کلاس آمده‌اند». دوباره همان دانش‌آموز بدون معطلی و خطاب به آقای بازرسی گفت: «آقا اجازه! خانومون خیلی خوب درس می‌ده! برامون خیلی چیزها درست می‌کنه و سر کلاس میاره و درس‌مون می‌ده!» بقیه دانش‌آموزان هم برای تأیید حرف هم‌کلاسی‌شان، داد و فریاد سردادند که «آقا راست میگه!» یک مرتبه صدای آقای بازرسی بلند شد «ساکت!» یکی از دانش‌آموزان گفت «اصلاً آقا هر کی حرف زدا، بهش بگین گوشه کلاس بایسته، سطل آشغال هم بگیره رو سرش!» بازرسی پاسخ داد: «در کار بزرگ‌ترها، دخالت نکنین!» همان دانش‌آموز گفت: «من که دخالت نکردم، فقط پیشنهاد دادم. دوست داشتن انجام بدین!» من هم

اشاره به دلیل اهمیت نقش معلم، برنامه‌های آموزش معلمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجله رشد آموزش ریاضی در نظر دارد که این مهم را به عنوان یکی از وظایف اصلی خویش بداند. به همین منظور، ستونی در مجله با عنوان روایت‌های معلمان ریاضی باز شده است تا از طریق آن، بتوانیم رابطه نزدیک‌تری با معلمان ریاضی برقرار کنیم. این روایت‌ها برای محققان و معلمان محقق فرصت ارزنده‌ای به وجود می‌آورد تا به تبیین نظریه‌های آموزشی و تدریس که از دل کلاس درس و عمل معلم می‌جوشد، پردازند. آن‌گاه نظریه‌ها به عمل درمی‌آیند و مجدداً عمل به نظریه کشانده می‌شود و این فرایند هم‌چنان ادامه پیدامی‌کند.

از همکاران گرامی انتظار می‌رود که روایت‌های خود را برای ما بفرستند. علم زمانی ارزشمند است که در اختیار عموم قرار گیرد، زیرا که زکات علم نشر آن است. معلمان عزیز باید به اهمیت تجربه‌های خود واقف شوند و با پویایی به غنی‌تر کردن آن‌ها پردازند.

در ضمن، گاهی هم به جای شنیدن روایت از زبان معلم، می‌توان کلاس وی را مورد مشاهده قرار داده و پس از تأیید همان معلم، روایت را از زبان مشاهده‌گر شنید.

رشد آموزش ریاضی

من در یک مدرسه پسرانه، در پایه پنجم تدریس می‌کنم. یکی از روزهای سومین ماه سال تحصیلی، یک باره و بدون اطلاع قبلی در کلاس درس باز شد. بازرسی اجازه ورود به کلاس را خواست و یک راست،

پیش خودم می‌گفتم «بد نیست بدانید که ما با چه دانش‌آموزانی سر و کار داریم» و در صدد ساکت کردن دانش‌آموزان نبودم! چون نمی‌توانستم! بازرسی کلاس ما که از حاضر جوابی دانش‌آموزان خیلی عصبانی شده بود، گفت که «خانم بهاء‌لوا! این ساعت چه درسی داشتین؟» من هم در جواب گفتم که «این ساعت، علوم داشتیم و دانش‌آموزان در گروه‌هایشان، هر اطلاعاتی که در مورد ماهیچه و غضروف می‌دانستند، به یکدیگر می‌گفتند.» هنوز صحبت‌هایم تمام نشده بود که یکی از دانش‌آموزان گفت، «تازه بحث‌هامون داشت نتیجه می‌داد که کلاس‌مون را به هم زدین!». بازرسی رو به من کرده و گفت: «با اجازه شما من چند سؤال از دانش‌آموزان می‌پرسم» و بعد پرسید «کی دوست داره بیاد پای تابلو؟» همه دست‌ها بالا رفت. بازرسی یکی را صدا زد که «شما بیا پای تابلو». اولین سؤال ریاضی، الگوبایی بود. بعد عددنویسی. دانش‌آموزان همه این سؤال‌ها را درست جواب دادند. بعد نوبت به پرسیدن مبحث ساعت شد. بازرسی رو به دانش‌آموزان کرد و گفت، «هر ساعتی را که من گفتم، شما ۲۰ دقیقه به آن اضافه کنین و به ترتیب جواب را بگین». همه دانش‌آموزان، خوشحال از سر و کله هم بالا می‌رفتند و می‌گفتند: «آخ جون، با خانوممون این بازی را خیلی انجام دادیم، پرسی! همه را بلدیم!» بالاخره زنگ تفریح به صدا درآمد. دانش‌آموزان بدون توجه به بازرسی، همه به سمت در هجوم بردند! من هم منتظر بودم بازرسی محترم از کلاس خارج شود اما از رفتن خبری نبود! تازه بعد از دانش‌آموزان، بازرسی از من شروع شد. وی از پوشه کار دانش‌آموز و معلم گرفته تادست‌سازها و دفتر کلاسی، همه را بررسی کرد. سپس ادامه داد که «خانم بهاء‌لوا! می‌دانید تدریس در دانشگاه با تدریس در مقطع ابتدایی کاملاً متفاوت است؟» گفتم «بله اطلاع دارم و به همین دلیل است که در تدریس، از انواع دست‌سازها، فعالیت‌ها و بازی‌ها استفاده می‌کنم.» بعد ادامه داد که «بله! این‌ها خیلی عالی هستند. اما تا زمانی که مدیریت کلاسی ضعیف باشه، این‌ها اصلاً فایده‌ای نداره. مدیریت در کلاس درس ابتدایی خیلی مهمه» گفتم «مدیریت کلاسی نه تنها در دبستان بلکه در دانشگاه و تمام دوره‌های تحصیلی مهمه. اما چرا شما فکر می‌کنین که مدیریت کلاس ضعیفه؟ به نظر خودم اینطور نیست! چون دانش‌آموزان اول سال قابل کنترل نبودند و اصلاً سر کلاس نمی‌نشستند، با ترفندهای مختلف به این مرحله رسیده‌اند، برای همین، وضعی

در مدیریت کلاسی ام نمی‌بینم!» ولی بازرسی گفت «متأسفانه یکی از همکاران سال گذشته، در این زمینه کم‌کاری کرده و دانش‌آموزان رها شده بودند» گفتم: «شما اطلاعات کاملی، هم از وضعیت اخلاق و رفتار، و هم از وضعیت تحصیلی دانش‌آموزانم دارید، پس چرا همه را به نام من ثبت می‌کنید و به حساب بی‌تجربگی ام می‌گذارید؟!» بازرسی سریع بحث را عوض کرده و ادامه

داد که «می‌دانید تفاوت بین  $\frac{1}{3} \times 2$  و  $2 \times \frac{1}{3}$  چیه. این مفاهیم را چگونه آموزش می‌دین؟» خیلی متعجب بودم که چرا ایشان، این سؤال را از من می‌پرسند؟! در هر صورت پای تابلو رفتم و به‌طور کامل، برای‌شان توضیح دادم. از حرکات بازرسی، اینگونه برداشت می‌شد که تازه، خودشان تفاوت این دو مفهوم را فهمیده‌اند. بعد از توضیحاتم، بازرسی گفت: «خیلی از همکاران، معنا و مفهوم این‌ها را نمی‌دانند و شما خیلی خوب و واضح این مفاهیم را بیان کردید.»

زنگ کلاس به صدا درآمد و دانش‌آموزان وارد کلاس شدند و با تعجب به بازرسی می‌گفتند: «هنوز که تو کلاس مایی!» بازرسی، کتاب ریاضی و کتاب نگارش چند نفر از دانش‌آموزان را نگاهی کرد و گفت: «چرا آنقدر بدخط نوشته‌اند و شما با آن‌ها کار نکردین؟»، من هم گفتم: «صفحات اول کتاب را با این قسمت مقایسه کنید، دست‌خط‌ها خیلی تغییر کرده، اینطور نیست؟!» یکی از دانش‌آموزان گفت: «با نوشتنمون هم کار دارین!»، خودم را به نشنیدن زدم و رو به دانش‌آموزان کرده و گفتم که «کتاب‌های قرأتان را باز کنید و به ترتیب، مشغول خواندن شوید.»

بالاخره بازرسی کارش تمام شد و رفت. اما آیا از نظر آموزشی، چیزی عاید معلم و دانش‌آموزان شد؟! ای کاش بازرسان محترم، می‌دانستند که با این کار، بیشتر موجب آشفتگی و اضطراب دانش‌آموزان و معلمان می‌شوند و زمان تدریس آن‌ها را کاهش می‌دهند. چگونه است که اگر معلم پنج دقیقه دیر به کلاس برود، همین بازرسان می‌گویند «شما ۱۵۰ دقیقه (۵ تا ۳۰ نفر) وقت تلف‌شده دارید»، اما برای خودشان که ۱۲۰ دقیقه زمان کلاس و استراحت معلم و دانش‌آموزان را می‌گیرند، ظاهراً ائتلاف وقتی در کار نیست!

#### پی‌نوشت

۱. طبیعی است که گفت‌وگوهای داخل گیومه عیناً صحبت دانش‌آموزان است که الزاماً قابل تأیید نیست.